

«سیاست خارجی خاتمی از جنگ تا گفتگوی تمدن‌ها»، «آزادسازی اقتصاد بازار»، «امکان حضور هیأت‌های علمی آمریکا در ایران»، «دورنمای مجلس ششم»، «چگونگی دموکراتیزه شدن جمهوری اسلامی» و «ناگفته‌های قتل‌های روشنفکران و مخالفان در ایران».

بنا بر آخرین خبرهای دریافتی برخی از کسانی که به سمینار دعوت شده بودند عبارتند از: رامین جهانبگو، ایرج گرگین، عبدالحسین فقیهی، (دانشگاه علامه طباطبائی)، حمید احمدی (دانشگاه تهران)، حسن علی قاضیان (گروه پژوهش‌های آینده)، حسین بشیریه (دانشگاه تهران)، و ... از سوی دیگر اکثر سخنرانان کنفرانس از چهره‌های ضدانقلابی و یا فعال در عرصه تئوری پردازی جریان «استحاله از درون» نظام هستند. که مرتب به ایران می‌آیند اما مقیم خارج کشور هستند که عبارتند از: محمد منشی پور، علی محمدی، فرید صدریه، علی جلالی (از رادیو آمریکا)، حمید زنگنه، مهرداد مشایخی، علی اکبر مهدی، مهرداد ولی بیگ، حسین شهیدی (بی بی سی) ارژنگ اسدی، هوشنگ امیر احمدی (ازگردانندگان سیرا)، پروین ابیانه، فاطمه شافعی، هوشنگ حسن یاری، حسین رضوی، داریوش سجادی، گفتنی است علی رضا نوری زاده جاسوس اسرائیل که پس از انقلاب با گروهک کودتاگر خلق مسلمان و سفارت وقت آمریکا در تهران مرتبط بود در زمینه «ناگفته‌های قتل‌های روشنفکران در ایران» سخنرانی کرد که مورد تشویق قرار گرفت.

در جریان این کنفرانس و در سخنرانی داریوش سجادی که پیش از این از مقاله نویس‌های روزنامه توقیف شده پیام آزادی بوده است علیه آقای خاتمی دست به فحاشی زد و از مطبوعات اصلاح طلب به خاطر این که در سطح مانده‌اند خرده گرفت! وی گفت مردم مجبور شدند در انتخابات ریاست جمهوری بین بد و بدتر یکی را انتخاب کنند.

دعوت از نژادحسینیان برای شرکت در سمینار مشترک با مقامات وزارت خارجه آمریکا «شورای آمریکائیان - ایرانیان» که در ارتباط با وزارت خارجه آمریکا فعالیت دارد، سمیناری تحت عنوان «ایران در هزاره جدید، موقعیت‌ها و موانع» برگزار می‌کند.

در این کنفرانس که قرار است شنبه ۱۷ اردیبهشت در دانشگاه استنفورد در ایالت کالیفرنیا آمریکا برگزار شود، محور اصلی بحث‌ها رابطه ایران و آمریکا خواهد بود. شورای آمریکائیان - ایرانیان، همان نهادی است که اواخر اسفند گذشته سمیناری را در واشنگتن ترتیب داد که در آن وزیر خارجه آمریکا در سخنرانی مفرضانه‌ای به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه و سپاه پاسداران اسلامی حمله کرد و خواستار درگیر شدن جریان موسوم به اصلاح طلبی در برقراری رابطه بین ایران و آمریکا شد. البرایت در آن سخنان از دانشجویان خود در دانشگاه‌های آمریکا یاد کرده و گفته بود اینک آن‌ها بعضاً رهبران جامعه مدنی ایران هستند که باید در موضوعات مربوط به منافع

مشترك درگير شوند.

نکته درخور توجه اين كه همانند اجلاس قبلى، اين بار نيز از نژاد حسينيان نماينده دائم جمهورى اسلامى ايران در سازمان ملل برآى شركت در سمينار دعوت شده است. همچنين در نشست اخير مانند كنفرانس اسفندماه، مقامات وزارت خارجه آمريكا يك پاى قضيه اند. در كنفرانس قبلى برخى مقامات سابق وزارت خارجه آمريكا (نظير ريچارد مورفى و گرى سيگ) به عنوان اعضاى آمريكائى شوراي آمريكائيان - ايرانيان، حضور تعيين كننده داشتند و در کنار آن ها مادلين آلبرايت وزير خارجه و جيمز روبين سخنگوى وزارت خارجه نيز در جلسه حاضر شدند.

در كنفرانس روز شنبه قرار است «دان بلام» (مسئول ميزايران در وزارت خارجه آمريكا) و «سناتور گوردون اسميت» عضو كميسيون روابط خارجى سنای آمريكا نيز حضور داشته باشند. در اين اجلاس همچنين بروس لينگن كاردار سفارت سابق آمريكا در ايران كه به گروگان گرفته شد، رابرت پلترو (معاون سابق وزارت خارجه آمريكا) راسكو سادات سفير سابق آمريكا در اردن و يكي از عناصر پيگير رابطه با ايران، جوديت كيپر، ريچارد مورفى معاون سابق وزارت خارجه آمريكا و گرى سيگ عضو اسبق شوراي امنيت ملي آمريكا، معاون سابق وزارت خارجه و مدير فعلى پروژه «خليج دوهزار» حضور خواهند داشت.

باتوجه به ماهيت كاملاً سياسى و وابسته «شوراي

آمریکائیان - ایرانیان» و سوابق امر، به نظر می‌رسد مقامات آمریکائی به دنبال شکست در گشودن باب مذاکره رسمی، به شیوه برگزاری کنفرانس روی آورده‌اند که طی آن سعی می‌شود کسانی از دانشگاہیان و روزنامه‌نگاران ایرانی درگیر موضوع رابطه شوند و از این نظر دعوت نماینده دایم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل به سمینار، نوعی تله گذاری در جهت تدارک مذاکرات غیر رسمی و شکستن حرمت مذاکره ارزیابی می‌شود.

با توجه به تحرکات ضدانقلابی در کنفرانس برلین که به خاطر گستاخ شدن دولت آلمان در قبال غفلت وزارت امور خارجه کشورمان صورت گرفت، انتظار می‌رود این وزارت در قبال کنفرانس روز شنبه حساسیت به موقع به خرج دهد و از شرکت مقام رسمی کشورمان در سمینار مذکور ممانعت به عمل آورد.

گفتنی است رئیس شورای آمریکائیان - ایرانیان هوشنگ امیراحمدی است که همزمان با سازمان سیرا (مرکز موسوم به پژوهش‌ها و تحلیل مسائل ایران) و گردانندگان آن نظیر علی اکبر مهدی و مجید تهرانیان ارتباط نزدیک دارد. شورای مذکور ارتباط نزدیکی با سرمایه داران فراری و برخی صنایع و شرکت‌های بزرگ آمریکائی دارد.

همزمانی کنفرانس روز شنبه آینده با هیجدهمین کنفرانس سیرا که شنبه و یکشنبه برگزار شد از دیگر نکات جالب توجه است به ویژه این که برخی برگزارکنندگان و برخی از مدعوین

مشترك می باشند.

مجیدتهرانیان، کامران وفا، احسان نراقی، مهدی محلاتی (سفير اسبق ایران در سازمان ملل)، محسن معظمی، داریوش زاهدی، یوسف جوادی، حسین قاضیان، نجم الدین مشکاتی، فریدون فشارکی، وحید علاقمند، شیرین هانتر، روح الله رمضانی، حمید شیروانی، جان غزنوی، برخی همکاران، مشاورین و مدعوین ایرانی سمینار شنبه هستند که به همراه آمریکائیان فوق الذکر در تدارک و برگزاری سمینار همکاری مشترك دارند.

گفتنی است پیش از این مطبوعات داخلی نسبت به تحرك عناصر طرفدار رابطه با آمریکا برای دورزدن وزارت خارجه کشورمان هشدار داده اند و سمینارهایی نظیر سیرا، برلین و آنچه قرار است شنبه برگزار شود، نشانه های تأمل برانگیز همین روند است.

کیهان ۱۸ می ۲۰۰۰

جاسوس صهیونیست‌ها شرکت کنندگان کنفرانس «سیرا» را به حمایت از اکبر گنجی فرا خواند

به دنبال سانسور خبری کنفرانس هیجدهم سیرا از سوی رسانه های بیگانه و خبرگزاری جمهوری اسلامی در هفته‌های اخیر که در هتل هایت واشنگتن برگزار شد، گزارش‌های رسیده از آمریکا، جزئیات جدیدی از اهم مباحث مطرح شده در این کنفرانس ضدانقلابی را فاش کرد.

در این کنفرانس حسینعلی قاضیان از همکاران نشریاتی چون صبح امروز، کیان سخنرانی کرد. هوشنگ امیراحمدی رئیس شورای آمریکائیان - ایرانیان و بانی کنفرانس هیجدهم سیرا، در معرفی نامبرده گفت: او از دوستان نزدیک و هم‌زمان! آقای عباس عبدی، اکبر گنجی، جلایی پور و علوی تبار است. پیش از این گنجی، علوی تبار و جلایی پور در کنفرانس برلین شرکت کردند که به رغم سانسور خبر آن توسط

خبرگزاری جمهوری اسلامی و روزنامه‌های زنجیره‌ای، ماهیت ضدانقلابی کنفرانس آشکار شد. عبدی نیز قبلاً در پاریس و به تدارک شورای آمریکائیان - ایرانیان باری روزن جاسوس و وابسته مطبوعاتی سفارت آمریکا در تهران ملاقات و مذاکره کرده بود. پس از نطق کوتاه امیراحمدی، حسینعلی قاضیان به ایراد سخنرانی پرداخت و در معرفی اصلاح طلبان مورد نظر خود گفت: قابل توجه است که پرچمداران اصلاحات همان کسانی هستند که در بدو انقلاب از مدافعین سرسخت و بخشی از نظام جمهوری اسلامی بودند.

همکار نشریات زنجیره‌ای به مواردی از تأثیر پذیری «اصلاحات» در ایران از غرب اشاره کرد و گفت: با این که ایران معیارهای جهانی حقوق بشر را قبول ندارد اما به خاطر افکار عمومی ناچاراً سعی دارد آن را رعایت کند!

وی درباره دیگر ویژگی اصلاحات اظهار داشت: ویژگی دیگر اصلاحات در ایران، غلبه آموزه‌های لیبرالی بر آن است به طوری که جهانگرایی و تنزل مفهوم حاکمیت ملی و توجه بیشتر به نظام (نوین) جهانی را پذیرفته و با آموزه‌های لیبرالی خو گرفته است. قاضیان گفت: با وجود دوبرابر شدن جمعیت منابع دولت در بیست سال اخیر ثابت بوده در حالی که توان بخش خصوصی نسبت به دولت افزایش یافته و در نتیجه قدرت دولت رو به ضعف بوده و همین باعث رشد جامعه مدنی شده است.

وی در ادامه در پاسخ به پرسشی، در اظهارنظری هم‌نوا با گروه‌های ضدانقلاب گفت: حق باشماست! برای

این که از حق اکبر گنجی دفاع کرده باشم باید بگویم که او با این کشتارها مخالف بود در حالی که اغلب ما بعد از کشتارها از دستگاه‌های دولتی بیرون کشیدیم ! اما نمی‌خواستیم با دولت هم قهر باشیم زیرا باید با آن گفتگو می‌کردیم.

گفتنی است اکبر گنجی نیز در مصاحبه با نشریه آلمانی تاکس اشپیکل (درحاشیه کنفرانس برلین) مدعی شد در دهه ۶۰ رفقایش اعدام شده‌اند. قاضیان يك هفته پس از کنفرانس سیرا در کنفرانس دانشگاه استنفورد سانفرانسیسکو که به همت شورای آمریکائیان - ایرانیان برگزار شد، شرکت کرد.

در این کنفرانس همچنین «علیرضا نوری زاده» از بقایای گروهک جنبش مسلمانان مبارز و رابط سفارت آمریکا که بعد از انقلاب از کشور فرار و در خدمت سازمان سیا قرار گرفت، درباره قتل‌های زنجیره‌ای به دروغ پراکنی پرداخت و درباره یکی از رابطین خود گفت : اکبر گنجی که درود بر او یاد اکنون به زندان منتقل شده است و شما باید تلاش کنید و به مراکز حقوق بشری نامه بنویسید و معترض شوید!

دریخش دیگری از کنفرانس هیجدهم سیرا «ایلین فراست» از موسسه اقتصاد بین المللی با اشاره به تحریم آمریکا علیه ایران و عوامل رویارویی ایران و آمریکا مدعی شد: کمک ایران به حزب الله، مخالف با روند صلح خاورمیانه و عدم آغاز گفتگوی رو در رو با دولت آمریکا از جمله عوامل اصلی عدم پیشرفت روابط اقتصادی دو کشور است.

وی افزود: ماحتی به کودتا علیه مصدق اعتراف کردیم ایران دیگر چه انتظاری می‌تواند داشته باشد؟ برخی در هیأت حاکمه آمریکا معتقدند که ال‌برایت در سخنرانی اخیرش بیش از اندازه برای جلب توجه ایران قدم برداشت!

این آمریکائی همچنین «مخالفت ایران با موجودیت اسرائیل» را از دیگر تحریم‌های آمریکا علیه ایران عنوان کرد. ازسوی دیگر «کارول بروکینز» از گروه «چشم انداز جهانی» در کنفرانس سیرا با اشاره به دستگیری جاسوسان وابسته به موساد در ایران گفت: شرایط برداشت تحریم علیه ایران همچنان به جریان بازداشت ۱۳ یهودی مقیم به جاسوسی و حمایت از تروریسم، ادامه برنامه اتمی ایران و پیگیری مخالفت ایران با روند صلح اعراب و اسرائیل مربوط می‌شود!

گفتنی است هوشنگ امیراحمدی (دلال رابطه با آمریکا) از مسئولین اصلی سیرا می‌باشد. این مرکز ضدایرانی در سال ۱۳۵۹ - ۱۹۸۰ توسط علی اکبر مهدی ضدانقلاب از جمله مجید تهرانیان (معاون رضا قطبی، رئیس رادیو و تلویزیون زمان شاه) ازگردانندگان شورای آمریکائیان - ایرانیان است، چندی پیش در مصاحبه با نشریه یو اس - تودی از دوتن از اساتید دانشگاه تهران (دکتر هادیان و دکتر سمتی) - که با محافلی چون سیرا ارتباط نزدیک دارند و حتی قبلاً نیز مدیر برخی جلسات آن بوده‌اند - تجلیل کرد. وی درباره سمینار «روابط ایران و آمریکا» در واشنگتن

(اسفندماه سال گذشته) که در آن البرایت سخنرانی معروف خود را انجام داد و این دو استاد دانشگاه نیز حضور داشتند گفته بود: دکتر هادیان و دکتر سمتی برای ما ابعاد دست اول از موقعیت کسانی را که در ایران دست اندر کار اصلاح هستند، آوردند. هر دو نفر ارتباطات خوبی با اصلاح طلبان دارند»

نشریه سلطنت طلبان چاپ لندن درباره یکی از کنفرانس‌های سیرا نوشته بود: اخبار و گزارش‌های به راستی جالب در رابطه با اوضاع و احوال جمهوری اسلامی از گفتگوهای خصوصی و به دور از چشم «بپاها» و اغیار به دست آمد.

کنفرانس «سیاست خارجی ایران» در آکسفورد انگلیس در همین حال و به فاصله حدود یک هفته از برگزاری کنفرانس «ایران در هزاره سوم» در شنبه گذشته در دانشگاه استنفورد آمریکا، کنفرانس «سیاست خارجی ایران» در دانشگاه آکسفورد انگلیس برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در این کنفرانس هادی سمتی، ناصر هادیان و حمیرا مشیرزاده از دانشگاه تهران، فرهنگ رجائی از دانشگاه کارلتون کانادا، محی‌الدین مصباحی (از دانشگاه فلوریدای آمریکا)، همچنین شهرام چوبین (مفسر رادیو بی بی سی) و نرسی قربان و نیز گری سیک از دانشگاه کلمبیای آمریکا حضور داشتند. کاظم سجادی‌پور مدیر موسسه مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت

خارجه از دیگر شرکت کنندگان بود.

نرسی قربان پسر ذبیح‌الله قربان است. ذبیح قربان بهایی معروف و از مؤسسين كلوپ روتاری وابسته به صهیونیست‌ها در شیراز بود. «نرسی» نیز یکی از گردانندگان دفتر رضا پهلوی (پسر فراری محمدرضا پهلوی) در خارج از کشور بوده است و گفته می‌شود در يك دوره زمانی با وزارت خارجۀ نیز ارتباطاتی داشته است.

گری سیک در این کنفرانس گفت: هرگاه آمریکا آمادگی در تغییر رفتار سیاسی را نشان داده ! ایران به موقع به آن پاسخ مثبت نداده است. رادیو دولتی انگلیس نیز در گزارشی اجمالی گفت: در روز نخست کنفرانس، ریشه‌های سیاست خارجی ایران مورد بحث قرار گرفت. براساس این گزارش در کنفرانس مذکور، هادی سمتی درباره «نهادهای تصمیم گیرنده در سیاست خارجی ایران» و ناصر هادیان پیرامون «گروه‌ها، گروه‌گرایی و سیاست خارجی» سخنرانی کرده‌اند.

در همین حال رادیو آلمان گفت موضوع کنفرانس، سیاست داخلی و خارجی ایران بوده است. این رادیو افزود: همکارمان علیرضانوری زاده از لندن در این باره گزارش داد در کنار مطبوعات و رسانه‌های انگلیس که در چند هفته اخیر تحولات ایران را به دقت مورد پیگیری قرار داده‌اند، این رویدادها به صورتی وسیع در کنفرانس‌های دانشگاهی نیز مدار بحث کارشناسان بوده است.

نوری زاده که در کنفرانس سیرا نیز شرکت کرده بود،

در گزارش خود افزوده است: تعطیلی روزنامه‌های اصلاح طلب و بازداشت برخی اصلاح طلبان در ایران بیشتر از موضوعات کنفرانس مورد توجه شرکت کنندگان و سخنرانان بود. وی افزود در واقع نگاه‌های پرسشگر، متوجه میهمانانی است که از ایران آمده‌اند. «از آقای گنجی چه خبر» و این را در همایش دوازده آکسفورد بیش از همه می شنیدیم.

این جاسوس وابسته به سفارت سابق آمریکا و همکار گروهک کودتاچی حزب خلق مسلمان، در گزارش خود افزود: دکتر هادیان که جذابترین سخنرانی را دارد و از ایران آمده است، دسته بندی‌ها و گروهگرائی در سیاست خارجی ایران را مورد بررسی قرار داد و امیر فیصل برادرزاده پادشاه عربستان از دیگر سخنرانان کنفرانس بود.

نامہ بہ ابطحی

به دنبال راهزنی دستگاه اطلاعات رژیم جمهوری اسلامی و سرقت نامه‌ای که بعد از سفر خاتمی به فرانسه از طریق فکس به دفتر آقای محمد خاتمی و خطاب به رئیس دفتر او محمدعلی ابطحی، از سوی من ارسال شده بود و انتشار بخشی از نامه، نخست توسط نشریه «حریم» وابسته به اطلاعات سپاه و سپس در روزنامه‌ی رسالت (سیاهنامه باند مؤتلفه و شرکاء) و ارگان وابستگان رژیم عراق «مجاهد» ضروری دیدم جهت روشن شدن هموطنانم و نیز بازگویی دلایل این نامه و نامه‌های دیگری که در طول سال‌های تبعید برای شماری از دست اندرکاران حاکمیت و مبارزان و آزادیخواهان داخل کشور فرستاده‌ام، متن نامه اخیرم به آقای ابطحی را به صورت نامه سرگشاده به اطلاع همگان برسانم.

باشد که متن این نامه، کوتاه آستین‌هائی را که می‌پندارند با چاپ بخش‌های گزینیه شده، از نامه من می‌توانند جلوی افشاگری‌های مرا بگیرند، و به سکوت وادارند، به عبث بودن کارشان واقف کند، که مرا باکی از ملامت ایشان نیست، و وقتی پا به میدان بلا می‌گذاری، باید هم انتظار داشته باشی، که از هرسو تیر نامردمی‌ها و کینه‌ورزی‌ها و ... برسرت و پیکرت و قلبت و نامت باریدن گیرد.

علی رضا نوری زاده - لندن

۲۱ خرداد ۱۳۷۹ - ۲۰ ژوئن ۲۰۰۰

خبرگزاری دانشجویان (ایسنا)

روابط عمومی ریاست جمهوری هرگونه گفت و گو میان سید محمدعلی ابطحی و علیرضا نوری زاده را به شدت تکذیب کرد.

خبرگزاری دانشجویان ایران - تهران

در پی درج خبری در روزنامه‌ی رسالت، مبنی بر ملاقات سیدمحمد ابطحی، رئیس دفتر رئیس جمهوری، و علیرضا نوری زاده به هنگام سفر آقای خاتمی به فرانسه و نامه نگاری این فرد (علیرضا نوری زاده) با آقای ابطحی، روابط عمومی نهاد ریاست جمهوری با ارسال نمابری به خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) توضیحاتی را ارائه داده است در بخشی از این نمابر آمده است:

۱ - نامه‌ای با امضای فرد نامبرده در تاریخ ۷۸/۹/۲ و از طریق فکس عمومی نهاد ریاست جمهوری خطاب به آقای ابطحی فرستاده شده است. همان گونه که هرکس دیگر هم می تواند طی مکالمه با شماره تلفن های عمومی یا ارسال مطلب از طریق فکس نهاد ریاست جمهوری، خطاب به افراد گوناگون دفتر رئیس جمهور مطالبی را عنوان نماید.

۲ - رئیس محترم دفتر رئیس جمهوری به محض مشاهده‌ی نامه‌ی یاد شده در هامش آن که در دبیرخانه دفتر رئیس جمهوری در همان تاریخ ثبت شده است نسبت به مشکوک بودن این نوع نامه نگاری و ادعاهای دروغین نامبرده ابراز نظر کرده است و در پی آن دستور بایگانی نامه صادر شده است.

۳ - در حین سفر ریاست محترم جمهوری به فرانسه، جناب ابطحی «مطلقاً» هیچگونه گفت و گوئی با فرد نامبرده نداشته، تنها در جلسه‌ی مصاحبه مطبوعاتی رئیس جمهور که خبرنگاران فراوانی، از جمله این شخص حضور داشتند، از حضور نامبرده در جمع خبرنگاران آگاه شده است.

۴ - تأمل برانگیز است که چگونه اقدامی هماهنگ از سوی نامه‌ای خارج از کشور بر روی شماره فکس ریاست جمهوری قرار می‌گیرد و از سوی دیگر برخی نشریات داخلی از مضمون کلمه به کلمه نامه اطلاع دارند و به نسبت دادن افترا در مورد دفتر رئیس جمهور بر مبنای آن اقدام می‌کنند. این هماهنگی قطعاً توضیح آن نشریه را می‌طلبد. چنانچه موارد مشابهی نیز بدون تحقیق و اطمینان از صحت ادعاها در مورد دفتر رئیس جمهوری آن روزنامه منتشر شده و متأسفانه این گونه دروغ پراکنی‌ها و القا شبهات همچنان تکرار می‌شود.

کیهان چهارشنبه اول تیر ۱۳۷۹ - ۲۱ ژوئن ۲۰۰۰

ابطحی: نوری زاده دروغ می گوید

سید محمد ابطحی رئیس دفتر رئیس جمهور تأیید کرد که نوری زاده عامل صهیونیست‌ها به وی نامه‌ای ارسال کرده است.

وی درباره خبر روزنامه رسالت توضیح داد: نامه‌ای با امضای نوری زاده از طریق فکس عمومی نهاد ریاست جمهوری به من فرستاده شده است که به محض مشاهده نامه یاد شده نسبت به مشکوک بودن این نوع نامه نگاری و ادعای دروغین نامبرده ابراز نظر کرده‌ام.

در همین زمینه به نوشته هفته نامه حریم، نوری زاده در نامه چند ماه پیش خود به ابطحی نوشته است: «حضرت ابطحی عزیز، دیدار کوتاه ولی پر از لطف حضرت عالی در پاریس همچنان منزل نشین یاد و خاطره من است و گفت و گوی پر از لطف با سید نازنین مان جایی ویژه در دفتر ایام من یافته است و ...» نوری زاده همچنین خطاب به ابطحی یادآور شده است: «احسان نراقی به تهران آمده و خوب است شما

با استمالت و احوال پرسی از او به تقویت روحیه وی بپردازی»
 ابطحی درباره ادعای نوری زاده گفته است :
 « در حین سفر ریاست جمهوری به فرانسه مطلقاً هیچ
 گونه گفت و گوئی با فرد نامبرده نداشته و تنها در جلسه
 مصاحبه مطبوعاتی رئیس جمهور که خبرنگاران فراوانی از
 جمله این شخص شرکت داشتند، از حضور نامبرده در جمع
 خبرنگاران آگاه شده‌ام»

یالثارات ارگان انصار حزب الله شماره ۸۷ تیرماه ۱۳۷۹

نوری زاده خطاب به ابطحی:
 رفاقت، قلندری می‌طلبید!

علی‌رضا نوری زاده نویسنده ضدانقلاب خارج نشین با
 ارسال نامه‌ی خطاب به آقای ابطحی و ارسال آن بر روی
 اینترنت به ادعاهای آقای ابطحی پاسخ داده است.
 روزنامه رسالت در تاریخ ۷۹/۳/۲۸ به نقل از روزنامه حریم
 خبرداد که نوری زاده، در نامه‌ای خطاب به آقای ابطحی نوشته
 است: « حضرت ابطحی عزیز، دیدار کوتاه ولی پرلطف حضرتعالی

درپاریس همچنان منزل نشین یاد و خاطره من است و گفتگویی پر از لطف با سید نازنینمان، جایی ویژه در دفتر ایام یافته است.»

سه روز بعد آقای ابطحی توضیحی برای رسالت ارسال (۷۹/۴/۱) و اعلام کرد نامه نوری زاده در تاریخ ۷۸/۹/۲ از طریق فاکس به دفتر ریاست جمهوری رسیده و در همان تاریخ نسبت به مشکوک بودن این نوع نامه نگاری و ادعاهای کذب در حاشیه نامه اظهارنظر کرده است و تأکید کرده که هیچ گفتگویی با فرد نامبرده نداشته، آقای ابطحی در توضیحات خود به این نکته اشاره نکرده که چگونه طی اقدامی هماهنگ، نامه‌ای بر روی فاکس ریاست جمهوری رسیده و کلمه به کلمه در نشریات داخلی چاپ می‌شود.

علیرضا نوری زاده که با تکذیب ابطحی مواجه گردید و از ناحیه ابطحی به اقدامی «مشکوک» متهم شده بود در ۳۱ خرداد ۷۹ پاسخ مفصلی برای آقای ابطحی ارسال نمود که او در نامه خود از آقای منتظری به عنوان «فرزانه به حصار نشسته قم»، و از عبدالله نوری به عنوان «عزیز زندانی» و دلاوران پایمرد عرصه مطبوعات دوم خرداد یاد کرده است و اعلام داشته بارها با آقایان مهاجرانی و عبدالله نوری نیز مکاتباتی داشته است.

نوری زاده ادعا کرده این که نامه او از طریق دستگاه اطلاعاتی سرقت و در اختیار قرار گرفته است. نوری زاده ادعا

کرده است که فردی درلندن به دنبال دوربین ضبط صوت داری بوده است و می خواسته با این دوربین مکالمات آقای ابطحی را در زمانی که در فضای باز با هم سخن می گویند ضبط کند.

نوری زاده در این نامه می نویسد: بله جناب ابطحی آن کس که بیش از هر صاحب قلمی، درباره پیروزی ملت در نبرد مافیای مؤتلفه و امنیت خانه فلاحیان نوشت همان علیرضای نوری زاده صاحب نامه مشکوک بود».

وی خطاب به ابطحی می نویسد، نه شما که خیلی ها در قصر مارینی پاریس و در جلسه مصاحبه مطبوعاتی آقای خاتمی برخورد مرا با ایشان دیدند ... و نه فقط شما که دکتر محمدرضا خاتمی و دکتر جلالی و برخی وزراء لابد از یاد نبرده اید که آقای خاتمی با چه ادب و رأفتی به سؤال من پاسخ گفت که همه فرزندان ایران خودی هستند و تنها جمعی از خود بیگانه اند که درخانه دشمن نشسته اند و به شیشه خانه پدری سنگ می زنند.

نوری زاده در این نامه اهانت بسیاری را به مدیران رسالت و کیهان روا داشته است.

او در قسمتی از نامه خود می نویسد: «حرف های ابطحی و وقارش و آن آستین بالازدن ها که کلاً با منش آخوندی فاصله داشت این امکان را می داد که او را از تیره سیاه قبایان خزعلی ندانی و اگر نامه ای برای شما نوشتم از این رو بود و شما با صفت مشکوک زدن به نامه من از قدر خود نگاهید. مرا با شما

کاری نیست. رفاقت قلندری می‌طلبد و ظاهرأدوم خردادی‌ها هم در خط کشی کردن دست کم از پانزده خردادی‌ها ندارند. بله! آقای ابطحی من اگر نوشتم به حرمت صاحب آن دار بود. خاتمی به تائی راه می‌رود و درپاسخ دادن به انتظارات مردم، گاه چنان کند است که به فغانت می‌رود و آن انتظاراتی که از او داشتیم بر آورده نشد. او اهل نبرد جانانه نیست اما اهل بحث صادقانه است.»

سه شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۷۹

۲۰ ژوئن ۲۰۰۰

دفتر ریاست جمهوری آقای محمدعلی ابطحی

جناب ابطحی

با سلام، ظاهراً امنیت خانه مبارکه تا آن جا دست به
تطاول گشوده است، که فکس و تلفن دفتر رئیس جمهوری که
منتخب ۲۰ میلیون ایرانی است، نیز با گوش و چشم سعید
امامی های تازه (وکهنه کار) کانال ارتباطی دارد. وقتی نامه های
مرا به آیت الله منتظری فرزانه‌ی به حصار نشسته‌ی قم، از
طریق فکس ریودند و دست شرکای سعید امامی (که هم چنان
در صدد انتقام گرفتن از من هستند، چون دست ارباب‌های
سرخ و زرد و خاکستری شان را و نیز چهره‌های نامبارکشان
را عریان کردم) در کیهان و رسالت و جمهوری اسلامی سپردند،
و یا تقدیر و تجلیل من از آن عزیز زندانی عبدالله نوری و
دلوران پایمرد عرصه مطبوعات دوم خردادی را سربازان نه
چندان گمنام امام زمان به دست‌های آلوده حسین شریعتمداری
و حبیب الله عسگر اولادی و محمدکاظم انبارلویی و شایانفر و
حاج محتشم و دیگر شکنجه گران و تواب سازان دادند، هیچ
تعجب نکردم، چون می دانستم زیمنس آلمان چه نوع

دستگاه‌هایی را برای کنترل خطوط تلفن و دورنگار اهل نظر و قلم و آزادگان حوزه و دانشگاه به شرکت سهامی فلاحیان و شرکاء فروخته است (یکی از دلال‌هایشان به نام ع - الف را که با دلال دیگری به نام همایون - الف همکار بود و در لندن کسانی دیده بودند، که به دنبال دوربین ضبط صوت دار بود و می‌گفت می‌خواهند وقتی خاتمی با ابطحی توی فضای باز حرف می‌زند، صدایشان را با دوربین ضبط صوت دار ضبط و ثبت کنند).

این همه را می‌دانستم و نگرانی هم نداشتم چون کلیه نامه‌هایی را که طی این سال‌ها از تبعیدگاه برای آن‌ها که در وطن در برابر استبدادیان ایستادند (زنده یادان آیت‌الله شریعتمداری، علامه فرزانه سیدرضا صدر، آقای رضا ثقفی، مهندس مهدی بازرگان، دکتر علی‌اردلان، داریوش فروهر، و نازنین همسرش پروانه، و ...) و آن‌ها که امروز پرچمدار حاکمیت ملی و آزادی و عدالت هستند، فرستاده‌ام و یا از طریق دورنگار برایشان ارسال کرده‌ام، به همه آنچه در این نامه‌ها نوشته شده معتقد بوده‌ام، پس چه باک اگر امنیت خانه مبارکه از دو کانال (یکی شرکای سعید امامی و محفل مطبوعاتی مربوطه) و دومی (جماعت ورشکسته به تقصیر مقیم عراق که طی سه سال اخیر معلوم شد، همیشه سر بزنگاه شکست رسوائی جناح راست، به یاری فلاحیان و عسگر اولادی و مصباح یزدی و روح‌الله حسینیان آمده‌اند) تصویر این نامه‌ها

را البته به شکل دلخواه عرضه کند. مهم این است که تا نفس در سینه و قوت در قلم من هست، من از عریان کردن چهره‌ی آن‌ها که وطنم را ملک طلق خود پنداشتند، و با ملتی آزاده و سربلند چنان کردند که چنگیزیان و اولاد سعدابی وقاص را، امروز در جای روسپیدان تاریخ نشانده‌اند، باز نخواهم ایستاد. آن‌ها تصویر نامه مرا به منتظری و آزادگان آل قلم چاپ می‌زنند و من نیز تصویر اهریمنی‌شان را به تماشا می‌گذارم. چنان‌که آمد می‌دانستم تلفن‌ها گوش دارند و دوربین‌ها چشم، اما از این‌که عروس اطلاعات به حجله ریاست جمهوری هم رسیده، و حالا تلفن‌ها و فکس رئیس جمهوری نیز (شنود و رؤیت) می‌شود، بی‌تعجب نیستم، البته در کشوری که سعید امامی در کتابخانه و اتاق خواب رهبرش میکرفن مخفی می‌گذارد و فرزند بنیان‌گزارش را با سم هلاهل می‌میراند، و روحانی ریشدار و بی‌ریشش از ترس مافیای امام زمان سابق سلطنت آباد (پاسداران فعلی) حلال شرعی‌اش را بر خود حرام می‌کند و از وحشت بیرون افتادن اسرار آقا زاده‌ها شبانه از تهران تا بهرمان کامیون‌کشی می‌کند، شنود رویت تلفن و فکس رئیس جمهوری منتخبش و بالطبع رئیس دفتر رئیس جمهوری ... نباید اسباب تعجب شود.

اما با توجه به پاسخی که از سوی شما به مافیای مؤتلفه داده شده، ذکر نکاتی چند را ضروری می‌دانم. (و برای این که خیالشان و خیالتان را راحت کنم، عین این نوشته را علاوه

بر ثبت در کتابم، روی صفحه‌ی اینترنت می‌گذارم تا دیگر حجابی در کار نباشد که به قول شیخ بزرگ با پوششی از او برای تغییری کوچک، اگر حتی سلام و علیکی <حجاب شود تا به دامنش بدرم >.

جناب ابطحی،

از روزی که آقای خاتمی در آن فضای طاعون زده بعد از میکونوس، به میدان آمد و در شرایطی که شیرینی پیروزی ناطق نوری را جلو جلو پخته بودند و در خارج نیز کسی باور نداشت خانه‌ی از پای بست ویران را معمار یزدی با ستون شرف و آزادگی خود سرپا نگاه دارد، و در بغداد مقدمات جشن ولایت عهدی حضرت والا و بانو رجوی را که قرار بود شب تاجگذاری ناطق نوری، به میمنت و مبارکی در پایگاه اشرف اعلام شود، فراهم می‌کردند همین علیرضای نویسنده نامه (مشکوک) به قول حضرتعالی، با شناختی که از وضع ایران داشت و با توجه به حالت غضب و عصیان عمومی، و نیز با آشنائی به روحیات فرزند زنده یاد سیدروح الله خاتمی و داماد دکتر صادقی و خاندان صدر، برخلاف همه‌ی مفسران و ناظران و پیشگویان در روزنامه‌های الشرق الاوسط و کیهان لندن و الوطن، نوشت و در بسیاری از رادیوها و تلویزیون‌های فارسی و عربی و انگلیسی گفت: خاتمی از این معرکه پیروز خواهد آمد.

پوزخندها را خرید و سرزنش‌ها را شنید و تهمت‌ها را

پذیرا شد. و وقتی کسی از سر مثلاً مصلحت جوئی چند هفته پیش از انتخابات ندا داد، که برای اعتبار تو بد است که روی نامزد بازنده شرط بندی می‌کنی، بهتر است يك عبارت (اما دار) هم بگوئی که جای حاشا داشته باشی، به او گفت (اگر خاتمی برنده نشد و مردم به ناطق نوری رأی دادند، من دیگر از خانه پدری ام نخواهم گفت، و به فرزندانم می‌سپرم، پیکرم را در همین خاک نا آشنای به قول اسماعیل خوئی «بیدرکجا» به خاک سپارند. خاتمی در ایران نام آشنائی نبود چه رسد به جهان عرب و عرصه خارج از کشور. همان علیرضای صاحب نامه مشکوک بود که (بی مزد و منت) چون رهین آوای موسی صدر بود که در حازمیه بیروت چنگ به شاخه‌ی غزل خواجه می‌زد، سیدمحمد خاتمی را در میان اهل نظر از ریاض تا قاهره و از بیروت تا دارالبیضاء شهره ساخت.

بله، جناب ابطحی، آن روزها که جنبش دوم خرداد با عنوان (حركة الثانی من الجوزاء) در فقه اللغوی اهل سیاست در جهان عرب جا گرفت و ایرانیان خارج کشور نیز در برابر عظمت این جنبش زبان به تقدیر گشودند، آن کس که بیش از هر صاحب قلمی، دربارهی پیروزی ملت در نبرد با مافیای مؤتلفه و سیاهکاران امنیت خانه فلاحیان نوشت، همان علی‌رضای صاحب نامه مشکوک بود.

و شما و رئیس شما و دوستان و آشنایان شما همگی می‌دانند، که این همه نه به تمنای امتیازی و نه در طلب عنایتی

بود، که ما از آن باده کشانیم که دریا زده ایم. پس درخور مستی ما رطل و خم و ساگردستگاه ریاست و وزارت و امارت نیست. من اگر شبی حس کردم دکتر مهاجرانی در مصاف با ریاکاران محتال کوتاه آمده است و دارد واژگانش را مضمضه می‌کند، بدون آن که با او آشنائی و دوستی داشته باشم حرف دلم را نوشتم و به دفترش فکس کردم، و روز دیگر اگر مشاهده کردم باشهامتی تحسین برانگیز پوست ازگله‌ی سبچه اندازان و ریاسازانی که چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند، کنده است و مصباح یزدی را به روی بند منطق و حکمت و عرفان ایرانی، مثل گنجشک خیس آویخته است، قلم به دست گرفتم و ضمن تحسین کار او یادآور شدم که حسنک وزیر وار زیستن ار چه کوتاه، هزار بار خوش عافیت تر از صدساله شدن در هیأت میر سلیمی و لاریجانی است.

به عبدالله نوری نیز در نامه‌ام همین را گفتم و درباره‌ی آقای شما «علی بن جواد حسینی تبریزی» ملقب به «خامنه‌ای» نیز با همین شیوه سخن گفتم. حتی در زمانی که در محاصره‌ی آبرو باختگان جنایت آلوده، سخنش به فریادم می‌آورد، بلافاصله یاد آورش می‌شدم که فرزند کیست و سرارادت برچه درگاهی داشته است. من که توپ و تانگ ندارم و مثل حضرت والا و بانو، رفیق تکریتی لشگر زعفر جنی در اختیارم نگذاشته، من قلمی دارم و زبانی، و آنجا که از قلم و زبان من برای گوشزد کردن خطائی و یا تقدیر از خدمتی برای هموطنانم، عریان

کردن جنایتکاری و یا معرفی آزاد مردمانی، کاری برآید، هرگز از تهمت و ناسزا و پیامدهای کارم نهراسیده‌ام. چرا که برای من مصلحت وطنم و تحقق خواست‌های هموطنانم، فراتر از «خود» خویش و نام و نشان بوده است.

نه در طول دوران به مشروطه رسیدن خواجگان ولایت مکران و نو نوارشده‌های بهرمانی نیازی به صلتی و تقدیری داشته‌ام، و نه در عصر دولتمداری چپ‌های اسلامی و مشارکتی‌ها و اصلاح طلبان نقدی (که تا پای جان ایستاده‌اند) و قسطی (که برای ذکر نام آزادی، اول دورکعت نماز وحشت می‌خوانند و بعد سه تا قل هوالله هم به خود فوت می‌کنند، تا مبادا با نهیب حاج حبیب‌الله مؤتلفه و بچه‌های مدرسه حقانی، دچار روده درد شوند) متقاضی نعمت و مکنتی بوده‌ام، حتی خانه‌ای را که ارث پدری‌ام بود، مصادره کردند، و من آن شب آسوده خوابیدم که این بند تعلق نیز گُسسته شد. نه شما، که خیلی‌ها در قصرمارینی پاریس و در جلسه مصاحبه مطبوعاتی آقای خاتمی برخورد مرا با ایشان دیدند، آن نگاه‌های پرکینه اصحاب سعید امامی و مزدبگیران فلاحیان و محمد باقر ذوالقدر. . . و چشم‌های پر عطوفت جوانانی که هیچکدام را نمی‌شناختم، اما آن‌ها در گوشم از این که پرده اول را از تاریخخانه‌ی اشباح برداشته‌ام، دروادم می‌گفتند، و پایداری‌ام را آرزو می‌کردند، به یاد می‌آوردند. و تریدی ندارم جملات رد و بدل شده بین یک دیپلمات سرشناس را که از دیدن من

آشکارا به شوق آمده بود، با آن مأمور امنیتی عضو هیأت همراهان آقای خاتمی به یاد می‌آورند، وقتی که مأمور با سرزنش خطاب به دیپلمات گفت: می‌دانید ایشان کی است؟ و وقتی دیپلمات با خونسردی گفت البته ایشان متخصص سعید امامی و واجبی است. و جواب شنید که ایشان متخصص سعید امامی و شرکاء است. جوابی که مأمور امنیتی را مثل حباب ترکاند و ...، نه فقط شما که دکتر محمدرضا خاتمی و دکتر جلالی و بعضی از وزرا و مشاوران رئیس جمهوری لابد از یاد نبرده‌اید، که آقای خاتمی با چه ادب و رأفتی به سؤال من پاسخ گفت، و درحالی که وقت مصاحبه به پایان رسیده بود حاضر شد چند سؤال پر از اعتراض مرا با آرامش بشنود که «شما چگونه مردم ایران را به خودی و غیر خودی تقسیم می‌کنید؟ چه کسی به حاکمیت اجازه داده خود را از من ایرانی‌تر بداند»، و در پاسخم با لبخندی که نشانه سلامت نفس است، گفت: همه‌ی فرزندان ایران خودی هستند، و تنها جمعی از خود بیگانه‌اند، مقصودم آن‌هاست که در خانه دشمن نشسته‌اند و به شیشه‌ی خانه‌ی پدری سنگ می‌اندازند.

جناب ابطحی، مافیای مؤتلفه و شرکت سهامی رسانه‌ای با هزاران مأمور و خبرچین و پرونده ساز و آدم سوز و آدمخوار، دیر سالی است به دنبال منابع علی رضا نوری زاده، به هر سو سر کشیده‌اند، و هربار انگشت به جایی برده‌اند، و تازه مرتب

نیز اُستای ناشی آن‌ها حسین شریعتمداری و شاگردانش در کیهان و رسالت و جام و سیاست و یالثارات و ... ادعا می‌کنند مطالب من کذب است، و ساختگی است. با شرف و غرب عالم هم که ارتباطم داده‌اند، یک روز در ۱۸ سالگی در دانشکده حقوق مرا مشاور دکتر منوچهر گنجی می‌کنند، و روز دیگر در ۱۹ سالگی تأسیس کاخ جوانان به دلیل توصیه من به شهردار وقت، قلمداد می‌شود، بر سر پدرم که همه عمر در عین حرمت نهادن به روحانیون واقعی، بدون کراوات به دفتر اسناد رسمی‌اش نرفت، عمامه می‌گذارند. روزی متولد کربلا می‌شوم و بزرگ شده نجف و روز دیگر در اصفهان و مشهد به دنبال رد پایم می‌گردند.

در هفته ده‌ها مصاحبه‌ی من با رادیو و تلویزیون‌های بین‌المللی پخش می‌شود، آن وقت یکروز مرا کارشناس رادیو اسرائیل و روز دیگر کارمند رادیو و روز سوم مأمور صهیونیست‌ها و همزمان جاسوس آمریکا و انگلیس و عربستان و یمن و بورکینافاسو می‌خوانند. حزب خلق مسلمان، با انفاس قدسی من تشکیل شده، و زنده یاد دکتر مصدق (که از نظر این‌ها کافر است) شب ششم ولادتم، در گوشم، نامم را باز گفته است، خلاصه معرکه غریبی است. حسین شریعتمداری و عباس آقا ذاکری دست به دست هم داده‌اند و چپ و راست، منابع و مصادر مرا فراموش می‌کنند. یک روز جاریان منبع من است، روز دیگر به ادعای شریعتمداری، درّی نجف آبادی

در پی کشف منابع من به معاون يك وزارتخانه مشكوك می‌شود. عباس آقا پس از مشورت با سرور مسعود و بانو، دو صفحه درباره‌ی ارتباطات قلم به دست مزدور علی رضا نوری زاده بارژیم قلمفرسائی می‌کند، و محمد نیازی مطبوعات را از چاپ اکاذیب ضدانقلاب فراری علی رضا نوری زاده درباره‌ی پرونده‌ی قتل‌های زنجیره‌ای برحذر می‌دارد . . . شگفتا کیست این علی رضای نوری زاده، که با يك خودکار و چهار تا تفسیر رادیو تلویزیونی، با جابلقا و جابلسای عالم و خرد و کلان رژیم و ضد رژیم در ارتباط است؟

آقای ابطحی، اگر من هشت نه ماه پیش برای شما نامه‌ای نوشتم از آن رو بود که می‌دیدم در وطن من قدر فرزندگان و انسان‌های با شهامت را نمی‌دانند، بنا براین اگر یکی را از این جمع شناختی چه نیکوست که حرمت نهادن به او را، یادآور کسانی شوی که چند روزی نوبت تکیه به صندلی قدرت نصیبشان شده است. دوستان لبنانی می‌گفتند: ابطحی در بیروت شعر نزار قبانی می‌خواند، و با حافظ تفال می‌زد و با «علی عقله عرسان» و «انسی الحاج» دمخور بود، و در حازمیه صدای پای آقا موسی را پیگیر می‌شد. شهدی‌ها می‌گفتند پدر ابطحی از اخوان صفا است و دلبسته‌ی مکتب پیر نخودك «حاج شیخ حسنعلی اصفهانی» است. حرف‌های ابطحی، رفتارش و آن آستین بالا زدن‌ها، که کلاً با منش آخوندی فاصله داشت، این امکان را می‌داد که او را از تیره‌ی سیاه

قبایان لشکر ابوالقاسم خزعلی ندانی. اگر نامه‌ای برای شما نوشتم از این رو بود. سرخُم سلامت که نامه‌های من بی عتاب، آغاز و پایان نمی‌گیرد حتی اگر گیرنده محمد باشد، یا محمد علی، عطا باشد یا صفا.

بنا بر این صفت مشکوک بستن به نامه من نه شرط جوانمردی است و نه باری از گناهان شما نزد مؤتلفه و پدر خوانده‌ها و آمران و عاملان قتل‌ها و جنایات این همه سال‌های تلخ، کم می‌کند. آن‌ها حکمشان را داده‌اند، هم نسبت به شما و دوستانتان، که با اسبِ دولت، جواز «یورتمه رفتن» را آن هم ماهی یکی دو بار برای یک زمان کوتاه گرفته‌اید، و از عروسی که به حجله برده‌اید، می‌توانید به طور مشروط آن هم از طریق بصر، متمتع شوید، و هم نسبت به امثال من، که دنیا و آخرت به نگاهی فروخته‌اند، و جان و جوانی خویش را توسن آرزوها و امیدهای خود کرده‌اند، بی‌باک و بی‌درنگ می‌تازند و چه بسیار که در میانه راه خونین و شکسته بر زمین فرو می‌افتند.

بله، حکم را صادر کرده‌اند، با صفت مشکوک زدن به نامه من، از قدر خود نگاهید. مرا با شما کاری نیست، رفاقت، قلندری می‌طلبید، بوم خردادی‌ها هم، به قول دوست فرزانه‌ای، در خط کشی کردن دست کم از پانزده خردادی‌ها و اهل ولایت مؤتلفه ندارند. از ذکر مکارمشان، کیف می‌کنند. اما اگر پای صفا پیش آید، چنان پس می‌روند که صاف

می افتند توی بغل مصباح یزدی و اسدالله بادامچیان.

بله، آقای ابطحی، من اگر نوشتم به حرمت صاحب آن داربود، خاتمی به تائی راه می رود، درپاسخ دادن به انتظارات مردم، گاه چنان کند است که به فغانت می آورد، تسامح و تساهل را فعلاً درمقابل دشمنانش به شکل واضح تری رعایت می کند، و شاید ده ها عیب دیگر هم داشته باشد، اما صاحب صفتی است که ایکاش یاران و همکارانش نیز از آن بهره مند بودند، خاتمی سلامت نفس دارد، با خویش صادق است، اهل نبردجانانه نیست، اما اهل بحث صادقانه هست. آن انتظاراتی که از او داشتیم برآورده نشد(والبته توطئه ها و طرح ها و برنامه های مافیای مؤتلفه و محفل اطلاعاتی و رسانه ای و ... را فراموش نکرده ایم) اما واژگانی را وارد فرهنگ سیاسی کشور ما کرد، که چندین دهه یعنی از زمان دولت پیراحمدآبادی از ولایت ما رخت بر بسته بود. و دراین واژگان باید به «خلوص» اشاره کنم. خلوص در برابر دوست، و خلوص در دشمنی، نامه من مشکوک نبود، مشکوک بودن به نامه ای که ۸ ماه پیش ارسال شده بود، و حالا با دست رفقای سعید امامی از جعبه مارگیری امنیت خانه مبارکه بیرون می آید، و مأمور مؤتلفه، مکلف به چاپ آن می شود، نمی چسبد.

فهرست اسامی

- آ
 احمدی، رامین: ۲۰۱-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۶
 احمدی، نعمت: ۲۳۱
 اردلان، علی (دکتر): ۲۳۱
 ارضی، منصور: ۱۶۱
 ارگانی: ۱۵۲
 استیون اسپیلبرگ (فیلمساز): ۸۰
 اسدی، ارژنگ: ۲۰۹
 اسدی، سردار: ۲۴-۳۵
 اسکور سیزی (فیلمساز): ۸۰-۸۲
 اشعری: ۱۵۴
 اصفهانی، حاج شیخ حسنعلی: ۲۳۹
 اصلانی: ۱۵۱-۱۹۳
 افخمی، بهروز: ۲۴۲
 افشارطوس (سرلشکر): ۱۰
 السنی الحاج: ۲۳۹
 الله کرم، حاج حسین: ۵۵-۱۵۱ تا ۱۵۲-
 ۱۵۴-۱۵۸-۱۶۰-۱۶۵ تا ۱۶۷-۱۶۹ تا
 ۱۷۶-۱۷۹-۱۸۴-۱۸۸ تا ۱۹۲-۱۹۴-
 ۱۹۵
 امام رضا (ع): ۲۶
 امامی، سعید (اسلامی): ۹-۱۰-۱۲-
 ۱۸-۲۶-۲۸-۲۳ تا ۲۶-۲۸-۴۰ تا ۴۲-
 ۴۵-۴۶-۵۴-۵۷ تا ۵۹-۶۱-۶۳-
 آرمین، محسن: ۲۱۸-۲۱۹-۲۲۹-۲۹۸
 ۲۹۹-
 آغا جری، هاشم: ۲۳۱
 آلبرایت، مادلین (وزیر خارجه آمریکا):
 ۳۱۰-۳۱۱-۳۱۷-۳۱۸
 آوینی: ۱۵۰-۱۵۱-۱۶۰-۱۹۳
 الف
 ابراهیمی، ذبیح الله: ۱۹۶
 ابراهیمی، امیرفرشاد: ۱۴۷ تا ۱۴۹-۱۶۲
 ۱۸۱-۱۸۲-۱۹۵-۱۹۹ تا ۲۰۱-۲۰۴-
 تا ۲۰۸-۲۱۰-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۶-۲۱۹
 تا ۲۲۰
 ابطحی، محمدعلی: ۱۸۷-۲۲۱-۲۲۳-
 ۲۳۰-۲۳۳-۲۳۴-۲۳۷-۲۳۹-۳۴۱-
 ۳۴۳
 ابوالفتحی (سرتیپ پاسدار): ۲۴
 ابوذر غفاری: ۲۴
 ابوسفیان: ۲۴
 ابیانه، پروین: ۳۰۸
 احمدی، بابک: ۱۹۶
 احمدی، حمید: ۳۰۸

۱۹۶	۶۴-۶۶ تا ۶۸ - ۷۹ تا ۸۳ - ۸۵ تا ۹۰
بابک ۱۶۷-۱۷۰	۹۲-۹۴-۹۶-۹۷-۱۰۱-۱۰۵-۱۱۴
باتقوا، علی: ۱۹۳-۱۹۴	۱۱۵-۱۱۷-۱۲۱ تا ۱۲۴-۱۲۸-۱۳۳
بادامچیان، اسدالله: ۱۶۰-۱۶۲-۱۷۵	۱۴۱-۱۴۳-۱۵۸ تا ۱۶۰-۱۹۸-۲۳۰
۲۰۶-۲۴۱	۲۳۲ تا ۲۷۰-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۸ تا
بازرگان، مهدی (مهندس): ۱۰۸-۱۸۵	۲۸۰-۲۸۲-۲۸۴-۲۸۵-۲۹۳ تا ۲۹۵
۲۳۱	۳۲۹ تا ۳۳۱-۳۳۶-۳۳۷-۳۴۱
باقی، عبدالدین (روزنامه نگار): ۱۳-۱۰۲	امانپور، کریستین: ۲۲۴-۲۰۲
۱۰۵-۱۰۶-۱۱۷-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۲	امانی، محمد علی: ۱۶۴-۱۹۰-۱۹۲
۱۲۷ تا ۱۲۹-۱۳۳ تا ۱۴۶-۲۳۰-۲۳۱	۲۰۶-۲۰۷
۲۳۷-۲۳۸-۲۴۲ تا ۲۴۷-۲۴۲	امیراحمدی، هوشنگ (دکتر): ۲۳۳-
باهنر، محمدرضا: ۱۶۳-۱۶۴-۱۹۰	۳۰۹-۳۱۲-۳۱۴-۳۱۵-۳۱۷
۱۹۶-۲۰۷	امیری (سخنگوی دادگستری فارس): ۳۵
بختیار، شاپور (دکتر): ۲۶-۶۸-۲۵۵	امیرپور، کتابون: ۲۴۷
براتی، خسرو: ۵۶-۵۷	امیر فیصل: ۲۲۰
برازنده، حسین (مهندس): ۲۷۶	انبارلونی، محمد کاظم (شکنجه گر): ۲۳۰
برزوئی، ۱۶	انصاری، حمید: ۱۲۵-۱۳۶
برقعی، اشرف السادات خانم: ۲۷۶	انورخوجه: ۱۳۰
برکت، هنری (آمریکائی): ۲۳۶	ایکس آقا: ۲۵۳-۲۵۴
بروجردی، محمد: ۱۶۹	اویچ، (مربی تیم فوتبال ایران): ۹۷
بروکینز، کارل (آمریکائی): ۳۱۷	ایلماز، مسعود: ۲۴۱
بروس لینکلن (آمریکائی): ۲۵۵-۳۱۱	ایمانی (سرمایه دار شیرازی): ۲۴
بشارتی، رضا: ۱۵۴-۱۵۵	
بشیریه، حسن: ۳۰۹	
بقائی کرمانی، مظفر (دکتر): ۹ تا ۱۱-۳۳	بابائیان، محمد: ۱۷۳-۱۸۱ تا ۱۸۳

- پهلوی، اشرف (شاهزاده): ۱۲۲-۱۴۵
 پهلوی، رضا (شاهزاده): ۲۲۳-۲۴۳-۲۱۶
 پهلوی، محمدرضا، (پادشاه): ۲۳۱-۲۳۳-۲۱۶
 پیروزدوانی (نویسنده): ۱۹-
 پیمان، حبیب الله (دکتر): ۲۵۹
 ت
 تاج زاده، مصطفی: ۱۷۸-۱۷۹-۱۸۷-۱۸۸
 تفضلی، احمد (دکتر): ۵۷-۲۷۵
 تقوائی، ناصر: ۸۲
 توران، گنج (رئیس پلیس ترکیه): ۲۹۷
 تورانی (دکتر): ۱۵۴-۱۸۷
 تهرانی، علی (حجت الاسلام): ۱۱۰-۱۱۱
 تهرانیان، مجید: ۳۱۱-۳۱۲-۳۱۷
 ث
 ثقفی، رضا: ۳۳۱
 ج
 جاسبی (از اعضای مؤلفه): ۲۲-۱۷۲
 بلائی، شهرام (احمد بهبهانی): ۲۹۶- تا
 ۲۹۹-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۵
 بنی صدر، ابوالحسن: ۲۶-۱۵۷
 ۱۵۸-۲۵۴-۲۵۵-۲۶۱-۲۶۳-۳۰۰-۳۰۲ تا ۳۰۴
 بهبهانی، سیمین (شاعر): ۲۵
 بهبهانی، فرهاد: ۱۲۶-۲۱۵-۲۱۶
 بهرامی، (حجت الاسلام): ۲۹۱
 بهنود، مسعود (روزنامه نگار): ۱۳
 بیجارچیان، عباس: ۱۹۷
 بیضائی، بهرام: ۸۲-۸۴-۸۸-۸۹-۹۲
 بینا، کاظم: ۱۷۷
 پ
 پروازی، (حجت الاسلام): ۱۴۹-۱۵۳-۱۵۴
 پروین، علی: ۹۵ تا ۹۷
 پهلوان، چنگیز (دکتر): ۱۲۲
 پوراحمد، رضا: ۱۵۶
 پورجالویی: ۱۷۱-۱۷۲-۱۷۷-۱۸۰
 پورمحمدی، مصطفی (حاج آقا هاشمی):
 ۲۸-۱۹۷-۲۲۵
 پوینده، محمدجعفر (دکتر، نویسنده): ۲۱-
 ۶۴-۶۶-۱۹۸

۲۴۱-۲۴۵-۲۳۸

حجازی، ناصر (مربی فوتبال): ۹۶-۹۷

حسنک وزیر: ۱۲۸-۲۳۵

حسن یاری، هوشنگ: ۳۰۸

حسین ابن علی (ع): ۲۴-۲۶۶

حسین پناه، علی: ۱۷-۱۸

حسینی، غفار (دکتر): ۹-۲۷۶

حسینی نژاد، سیدمجید: ۲۷

حسینیان، روح الله (خسرو خویان): ۳۵-

۳۷-۱۸۷-۲۲۸-۲۹۴-۳۳۲

حکاکیان، رؤیا: ۳۰۵-۳۰۶

حکیم صوری: ۱۶۰-۱۶۹-۱۷۸

خ

خاتمی، سیدروح الله: ۳۳۳

خاتمی، محمد (رئیس جمهوری): ۲۸-۳۲-

۳۵-۳۸-۵۹-۶۰-۶۴ تا ۶۶-۶۸-۸۶

۱۲۲-۱۲۰-۱۳۱-۱۴۵-۱۵۸-۱۵۹-

۱۶۱ تا ۱۶۳-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۵-۱۷۶-

۱۸۶ تا ۱۸۸-۱۹۸-۲۰۶-۲۲۲-۲۴۴-

۲۶۱-۲۸۲-۲۸۳-۲۸۵ تا ۲۸۷-۲۹۰-

۲۹۱-۳۰۷-۳۰۹-۳۲۱-۳۲۳-۳۲۸-

۳۲۹-۳۳۱-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۶-۳۳۷-

۳۴۱

خاتمی، محمدرضا (دکتر): ۱۹۲-۱۹۶-

جعفری، عزیز (سردار): ۱۹۵

جنتی، شیخ احمد: ۱۶۶-۱۸۷-۱۹۱

جلالی، علی: ۳۰۹

جلالی (دکتر): ۳۲۸-۳۳۷

جلایی پور، حمیدرضا (روزنامه نگار):

۳۲۰

جوادی، یوسف: ۳۱۳

جویدت کیپر (آمریکائی) ۳۱۱

جورابچیان، عباس: ۱۹۱

جهانبگو، رامین (دکتر): ۳۰۹

چ

چوبین، شهرام: ۳۱۸

ح

حاج بخشی، ۱۳۰-۱۵۱

حاج کاظم (پدر شهید): ۱۶۸

حاج محتشم (شکنجه گر): ۳۳۰

حاجی زاده (شاعر و نویسنده): ۶۶

حائری (امام جمعه شیراز): ۳۴-۳۶ تا ۳۸

حبیبی، خانم: ۱۵۳

حجاریان، سعید (نادر صدیقی): ۶۳-۶۴

-۹۶-۱۱۸-۱۴۴-۱۴۹-۱۶۰-۱۷۷-

-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۶-۱۸۷-۲۰۱-۲۲۲-

- دام بلام : ۳۱۱
- دامنه ای، سیدعلی (رهبر): ۴۸ - ۵۰ - ۳۳۵ - ۱۹۶ - ۱۹۲ - ۲۴
- دامنه ای، هادی: ۱۹۳
- دامنه ای، علیقلی: ۲۷ - ۱۹۲
- دامنه ای، فاضل: ۴۰
- دامنه ای، ابوالقاسم: (آیت الله): ۱۸ - ۳۲۸ - ۳۴۰
- دامنه ای، مهدی: ۱۸ تا ۲۰
- دامنه ای، احمد: ۱۰۰ - ۱۱۰ تا ۱۱۴ - ۱۲۹ - ۱۲۳ - ۱۲۴ - ۱۲۶ تا ۱۲۸ - ۱۴۰ - ۱۴۲ - ۱۴۳ - ۲۳۹
- دامنه ای، حسن: ۱۰۱ تا ۱۰۵ - ۱۱۱ تا ۱۱۲ - ۱۱۳ - ۱۲۳ تا ۱۲۶ - ۱۲۸ تا ۱۴۰ - ۱۴۲
- دامنه ای، روح الله (آیت الله): ۱۰ - ۲۲ - ۳۵ - ۸۰ - ۱۱۰ - ۱۳۵ - ۱۵۷ - ۱۶۷ - ۲۳۱ - ۲۵۵ - ۲۵۷ - ۲۶۹
- دامنه ای، حسین: ۹۵
- دامنه ای، اعظم: ۴۶
- دامنه ای، اکبر (خوشکوش): ۲۹ - ۳۹ - ۴۴ تا ۴۷ - ۵۲ - ۵۸ - ۶۷
- دامنه ای، خوش وقت: ۲۰۲ - ۲۰۴
- دامنه ای، اسماعیل (شاعر): ۳۳۴
- داری نجف آبادی، قربانعلی حجة الاسلام): ۲۸ - ۲۵ - ۲۷۷ - ۲۰۱ - ۳۳۹
- دهقان، ۱۵۰
- ده نمکی، مسعود: ۵۵ - ۱۵۰ - ۱۵۴ - ۱۶۱ - ۱۸۴ - ۲۷۰
- دوانی، پیروز (نویسنده): ۲۷۶
- دیباچ (کشیش مسیحی): ۲۷۶
- ز
- ذاکری، عباس: ۱۱۷ - ۳۲۸ - ۳۳۹
- ذوالفقار نصب، فریدون (دکتر): ۹۶
- ذوالقدر، محمدباقر: ۱۶۰ - ۱۸۴ - ۳۳۶
- ر
- رابرت پلترو: ۳۱۱
- رادنیا، ملوس: ۲۸۹
- رازینی، علی (حجت الاسلام): ۳۶ - ۴۰ - ۵۱ - ۱۸۷ - ۱۹۶ - ۲۲۸
- راستی، (آیت الله): ۱۵۵
- راسکوسادرات: ۳۱۱
- ربیعی، علی: ۲۷۸ - ۲۷۹ - ۲۸۲ تا ۲۸۴ - ۲۸۶ - ۲۹۰

- رجائی، فرهنگ: ۳۱۸
- رجائی، محمدعلی: ۳۲
- رجوی، مسعود: ۱۱۸-۲۲۳-۲۲۹
- رضائی، محسن: ۱۷۶
- رضائی، مرتضی: ۱۹۴-۱۹۵
- رضائی، (رئیس بیمارستان لقمان الدوله
ادهم) ۲۹۴
- رضوی، حسین: ۳۰۹
- رفسنجانی، علی اکبر (هاشمی رفسنجانی،
بهرمانی): ۱۲-۱۵-۲۰-۲۸-۳۲-۳۹-
- ۲۱۴-۴۶-۴۸-۵۱-۱۰۶-۱۵۲-۱۶۲-۲۱۴-
- ۲۱۷-۲۲۹-۲۳۶-۲۴۳-۲۵۴-۲۵۷-
- ۲۶۱ تا ۲۶۳
- رفسنجانی، فائزه: ۱۵۳-۱۷۲
- رفسنجانی: محسن، مهدی، یاسر: ۴۸
- رفیع‌ها، : ۱۹۱
- رفیقدوست، محسن: ۵۰
- رفیقدوست، مرتضی: ۴۰
- رمضانی، روح‌الله: ۳۱۳
- روبین، جیمز: ۳۱۰
- روحانی، امید: ۸۲-۸۸-۹۱-۹۲
- روحانی، حمید: ۱۱۱-۱۵۲
- رهامی، محسن (دکتر): ۴۰
- ریشهری، محمد مهدی (حجت الاسلام):
۱۲۰ ۳۸-۳۷
- ز
- زال زاده، ابراهیم: ۲۷۵
- زاهدی، پرویز: ۹۵
- زاهدی، داریوش: ۳۱۳
- زرگر (ستاد احیا) ۱۹۷
- زنگنه، حمید: ۳۰۸
- زین العابدینی، علی: ۱۶۷-۱۷۰
- س
- سازور، ۱۵۸-۱۵۹-۱۶۱-۱۶۳-۱۹۲
- سجادپور، کاظم: ۳۱۸
- سجادی، داریوش: ۳۰۸
- سحابی، عزت‌الله (دکتر): ۱۹۶
- سحر (معشوقه فلاحیان و امامی): ۴۶-
- ۶۸-
- سحرخیز، عیسی: ۹۳
- سرحدی زاده، ابوالقاسم: ۲۳۲
- سرکوهی، فرج (روزنامه نگار و نویسنده):
۱۲۴
- سرمندی، مرتضی: ۲۸۴-۲۹۱
- سروش، عبدالکریم (دکتر): ۱۵۵-۱۹۳-
- ۲۶۴-۲۶۵

- سعدابی وقاص: ۳۲۲
- سعید عسگر (ضارب سعید حاریان): ۱۷۱-۱۷۷-۱۷۸-۱۸۰-۱۸۱
- سعیدی سیرجانی، علی اکبر: ۹-۶۸-۱۲۴-۲۳۰-۲۴۲-۲۷۵-۲۷۹
- سلمان پارسی: ۲۴
- سلمان رشدی (نویسنده انگلیسی): ۲۴-۲۳۱-۲۳۵
- سلیمی (شهید): ۳۷
- سلیمی نمین، عباس: ۱۰۲-۱۱۹ تا ۱۲۱-۱۳۱
- سمتی، (دکتر): ۳۱۷-۳۱۸
- سنجری، سیامک: ۵۷ تا ۶۵-۶۷-۶۸-۷۰ تا ۷۴-۲۷۶-۲۸۰
- سنجری، سیما: ۶۰-۶۹
- سنجری، نسترن: ۶۵-۶۷
- سیف، (سرهنک): ۱۷۰
- ش
- شافعی، فاطمه: ۲۰۸
- شاهرویدی، هاشمی (آیت الله): ۲۱۱-۲۸۷
- شایانفر (شکنجه گر): ۳۳۰
- شبلی (عارف معروف قرن سوم): ۱۲۸
- شرفی، اصغر: ۹۶
- شرفی، اکبر: ۱۸۵-۱۸۶
- شریف، مجید (دکتر): ۱۹۸-۲۷۶
- شریفی، (نماینده مدعی العموم): ۱۳۸-۱۴۱
- شریعتمداری، حسین (تواب ساز، بازجو): ۱۷ تا ۱۹-۵۵-۱۰۲-۱۰۶-۱۱۷ تا ۱۲۱-۱۳۱-۱۵۱-۱۶۲-۲۲۱-۲۴۸-۲۵۱-۲۹۵-۳۳۰-۳۳۱-۳۳۸-۳۳۹
- شریعتی، علی (دکتر): ۱۵-۱۶-۲۳
- شریعتمداری، سید کاظم (آیت الله): ۳۳۱
- شمس الواعظین، ماشاء الله (روزنامه نگار): ۹۳
- شهیدی، حسین: ۳۰۸
- شیبانی، فریدون: ۹۵
- شیروانی، حمید: ۳۱۲
- ص
- صادقی، (دکتر): ۳۳۳
- صانعی، منوچهر: ۲۷۵
- صداقت، نامدار: ۱۵۴
- صدام، حسین: ۱۳۱
- صدر، سید رضا (آیت الله): ۱۰۸-۱۲۹-۲۳۱-۲۳۳
- صدر، موسی (آیت الله): ۳۲۴-۳۳۹
- صدرالاسلام، (تیمسار): ۱۸۲-۱۸۵

صدریه، فرید: ۲۰۸

صفار هرندی، حسین: ۱۶۰

صفائی قراهانی: ۹۷

صفدری تبار، مرتضی: ۱۶۰-۱۷۳-

۱۸۲-۱۹۶

صفوی، رحیم: ۱۹۵

صفی زاده: ۹۵

صیاد شیرازی (سرلشگر): ۲۳۲

ض

ضرغامی، مصطفی: ۱۵۲-۱۶۷-۱۷۳

ضیائی، شیخ محمد: ۴۰

ط

طالب زاده، ۱۹۴

طالبی، جلال: (مربی فوتبال): ۹۷

طاهری، احمد: ۱۹۳-۲۴۷

طاهری، رجیبعلی (مهندس): ۳۲

طبرزدی، حشمت الله: ۱۵۲

طوسی، بهمن: ۳۹-

طوسی، همایون: ۴۶-۴۷-۵۵

ع

عابدینی، (فوتبالیست): ۹۵-۹۷

عالیخانی، مهرداد: (مأمور امنیتی): ۲۷۷-

۲۸۲-

عبادی، شیرین (حقوقدان): ۴۰-۱۸۷-

۱۹۹-۲۱۸-۲۸۴

عبدی، عباس: ۲۳۰-۲۳۴-۲۳۸-۲۴۱-

۲۴۶-۳۱۴-۳۱۵

عسکراولادی مسلمان، حبیب الله: ۲۷-

۱۶۳-۱۷۲-۱۹۰-۲۰۷-۲۱۳-۲۳۰-

۳۳۱-۳۳۶

علاقمند، وحید: ۳۱۳

علقه عرسان، علی: ۳۳۹

علوی، سیداسماعیل: ۱۹۵

علوی تبار، علیرضا: ۳۱۴

علی بن ابیطالب (ع): ۱۵۶

علیزاده، عباسعلی: ۲۱۱-۲۱۲

عمید، حسن (مؤلف فرهنگنامه عمید): ۲۲۴

غ

غفاری، ۱۵۳

غزنوی، جان: ۳۱۲

ظ

ق

قادری، عبدالله: ۲۹۶

قاسملو، عبدالرحمن (دکتر): ۲۶ - ۲۹۶

قاسمی، سعید: ۱۵۲ - ۱۵۶ - ۱۸۹ - ۱۹۰

قاضیان، حسنعلی: ۲۰۸

قاضیان، حسین: ۲۲۱ تا ۳۱۶

قائم مقامی، فاطمہ: ۵۷ - ۶۴ - ۲۷۵ -

۲۷۹

قباتی، نزار (شاعر فلسطینی): ۳۳۹

قذافی، سرہنگ: ۱۸

قربان، نرسی: ۳۱۲ - ۳۱۹

قشقائی، خسروخان: ۳۲

قطبی، رضا: ۳۱۷

قوچانی، محمد (نویسنده): ۲۴۳

ک

کار، مہرانگیز (حقوقدان): ۲۴۰

کاظمی، مصطفی (موسوی نژاد، حاج آقا

ہاشمی): ۱۱ - ۱۵ تا ۱۸ - ۲۸ - ۳۲ تا ۴۰

۴۲ - ۵۷ - ۵۸ - ۶۷ - ۱۸۷ - ۳۰۰ - ۲۷۸

کدیسی، سہیل: ۱۸۴

کدیسی، سیاوش: ۱۷۳

کدیور، محسن: ۱۷۵

کریاسچی، غلامحسین: ۴۰ - ۴۹ - ۱۵۲ -

ف

فاکر،

۱۶۳

فراستی (حجت الاسلام): ۲۹۱

فراست، ایلین: ۳۱۶

فراستی، علی: ۱۷۶

فرانسیس، فورد کایولا (فیلمساز): ۸۰

فرخزاد، فریدون: ۲۳۵ - ۶۸

فروزان، رضا: ۵۸ - ۶۷

فروہر، پروانہ (اسکندری): ۲۱ - ۵۷ -

۶۴ - ۶۶ - ۱۹۸ - ۲۷۶ - ۲۸۱ - ۳۳۱

فروہر، داریوش: ۲۱ - ۵۷ - ۶۴ - ۶۶ - ۱۹۸ -

۲۷۶ - ۲۸۱ - ۳۳۱ -

فشارکی، فریدون: ۳۱۲

فقیہی، عبدالحسین: ۲۰۹

فلاحیان، علی (حجت الاسلام): ۲۰ - ۲۰ -

۲۲ - ۲۲ - ۲۵ - ۳۶ - ۳۸ تا ۴۰ - ۴۲ - ۴۷ -

تا ۴۹ - ۵۸ - ۶۱ - ۶۳ - ۶۴ - ۶۶ - ۶۷ -

۶۹ - ۷۰ - ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۵ - ۱۰۷ تا

۱۱۲ - ۱۱۷ - ۱۲۸ - ۱۹۶ - ۱۹۷ - ۲۲۸ -

۲۷۳ - ۲۷۷ - ۲۷۸ - ۲۸۵ - ۲۸۶ - ۳۲۸ -

۳۳۱ - ۳۳۴ - ۳۳۶

فیسکورا برت (آمریکائی): ۲۴۴

کیلانی، فریدون: ۲۲۸

۱۵۲-۱۶۲-۱۶۴-۲۲۹-۲۳۶

کردی، محسن: ۲۳۲

ل

کرمی، محمد: ۲۵-۳۷-۳۹-۴۰

لاجوردی، اسدالله (شکنجا کر): ۱۹-۲۳۲

کروبی، مهدی: ۵۰

لاریجانی، علی: ۱۵۸-۱۹۳-۲۳۵

کلانتر، مهندس (اطلاعات ناچا): ۱۸۳

لارودی، اردشیر: ۹۵

کمالی، : ۲۸-۳۰

لطفیان، ۱۸۵

کنت تیمرمن: ۲۴۰

کوثری، جهانگیر: ۹۵

م

کیانی، اقدس: ۱۸۸-۱۸۹

مایلی کهن (مربی فوتبال): ۹۶

کیمیائی، مسعود (فیلمساز): ۸۲ تا ۸۹

مجیدی، مرتضی: ۱۶۰-۱۷۱

ک

محتشمی، علی اکبر: حجت الاسلام: ۱۰۸

کرگین، ایرج: ۳۰۸

محسنی اژه‌ای: ۳۶-۴۰-۱۷۰-۱۷۴

گری سیک: ۳۱۱-۳۱۸-۳۱۹

۱۸۴-۲۲۸

کلپور، رضا: ۱۵۴

محلای، مهدی: ۳۱۲

کلیندروپول (نماینده حقوق بشر): ۳۸

محلوجیان، عباس: ۱۶۹

کنجی، اکبر (روزنامه نگار): ۱۳-۴۴-۶۲

محمدین عبدالله: (ص) ۲۴-۱۵۹-۲۶۶

۱۱۷-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۲-۱۲۳

محمدی، علی (دکتر): ۳۰۸

۱۴۵-۲۳۵-۲۳۷-۲۴۰-۲۴۲

محمدی، منوچهر: ۱۷۶ تا ۱۷۸-۲۸۸

۲۴۶-۲۶۷-۲۷۹-۲۸۵-۳۱۴-۳۱۶

۳۰۵

۳۲۰-۳۴۲

محمدی، حاج آقا (فرش فروش): ۵۸-۶۸

کنجی، منوچهر (دکتر): ۳۳۸

محمدی گلپایگانی، (حجت الاسلام): ۴۸-

کودرزی، (عبدالحمید محتشمی): ۱۵۱-

۱۹۲

۱۵۶-۱۶۰

محمودی، ابوالفضل: ۱۷۳

گوردون اسمیت: ۳۱۰

۱۹۳-۲۰۰-۲۱۲	مختاری، محمد (نویسنده): ۲۱-۶۴-۶۶-
معاویہ: ۲۴	۱۹۸
معجری، پوررضا: ۱۸۴	مرادیان، فرج (سردار): ۱۵۸-۱۵۹-
معظمی، محسن: ۲۲۱	۱۶۶-۱۶۹-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۲-۱۸۸ تا
ملکی، عباس: ۱۳۱	۱۹۰
منتظری، حسنعلی (آیت الله): ۱۶-۳۵	مخملباف، محسن (فیلمساز): ۸۱
۱۰۶ تا ۱۰۹-۱۲۱-۱۲۸-۱۳۱-۱۶۴-	مرتضوی، سعید: ۱۲۳-۱۳۵-۱۳۷ تا
۱۶۵-۱۹۰ تا ۱۹۲-۲۰۶-۲۵۵ تا ۲۶۰-	۱۴۲-۱۹۶-۱۹۷-۲۳۱
۳۲۷-۳۳۰-۳۳۲	مرعشی، حسین: ۱۷۵-۲۰۶
منتظری، سعید: ۲۵۸-۲۵۶	مروی، (حجت الاسلام): ۲۹۰-۲۹۱
منشی پور، محمد: ۲۰۸	مستوفی، حسین: ۱۷۷-۱۷۸-۱۸۲-
موحد (حجت الاسلام): ۲۵-۲۶	۱۸۳
مورفی، ریچارد: ۲۰۸	مسجدجامعی، محمد: ۱۵۱
موسوی، میرحسین (مهندس): ۲۷-۱۵۸	مشایخی، مہرداد: ۲۰۸
موسوی تبریزی، سیدحسین: ۲۲۹	مشکاتی، نجم الدین: ۳۱۲
مومنی، باقر (نویسنده): ۲۲۶	مشیرزاده، حمیرا: ۳۱۸
مهاجرانی، عطاء الله: ۱۶۳-۱۶۸-۱۶۹-	مصباح یزدی، محمدتقی (آیت الله): ۱۲۵-
۱۹۲-۱۹۶-۱۹۸-۳۲۷-۳۳۵	۱۵۵ تا ۱۵۷-۱۶۴-۱۶۵-۱۸۷-۱۹۰-
مهاجرانی، حشمت: ۹۶	۱۹۷-۲۲۸-۲۳۱-۲۳۵-۲۴۱
مهاجری نژاد،: ۱۷۷-۲۸۹	مصباحی، محی الدین: ۳۱۸
مهدی، علی اکبر: ۳۰۸-۳۱۱-۳۱۷	مصدق، محمد (دکتر): ۱۰-۳۱۷-۳۳۸
مهدوی کنی، محمدرضا (آیت الله): ۴۹-	مصطفوی، داریوش (مهندس): ۹۵-۹۶
۱۶۱-۵۰	مصطفوی، مرتضی: ۱۵۳
۱۶۲-۱۷۵-۱۹۶-۲۰۶	مظفری (دکتر): ۳۹
مہربان، رسول (نویسنده): ۲۳۵	مظفری، کیانوش: ۱۶۷-۱۷۰-۱۷۹-

- ۱۹۱-۱۹۳-۱۹۶-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۶-
 ۲۷-۲۲۷-۲۲۸-۲۳۰-۳۳۵
 نوری زاده، علی رضا (دکتر): ۱۲-۴۵-
 ۱۰۲-۱۰۳-۱۰۶-۱۰۷-۱۱۸-۱۲۲-
 ۱۲۴-۱۳۰-۱۳۲-۱۳۵-۱۳۹-۱۴۵-
 ۱۴۶-۲۰۱-۲۰۳-۲۱۶-۲۲۳-۲۲۴-
 ۲۲۹-۲۳۶-۲۳۸-۲۴۳-۲۴۶-۲۴۸-
 ۲۵۰-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۷-۲۶۱-۲۶۳-
 ۲۶۵-۲۷۰-۲۷۳-۲۸۰-۲۸۱-۲۹۳-
 ۲۹۷-۲۹۹-۳۰۲-۳۰۵-۳۰۷-۳۱۰-
 ۳۱۲-۳۲۳-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۸-۳۳۳-
 ۳۳۴-۳۳۹-۳۴۱
 نوری، همدانی (آیت الله): ۱۵۷-۱۶۴-
 ۱۶۵-۱۹۳
 نویدکرمانی: ۲۴۶
 نیازی، محمد (حجت الاسلام): ۱۰۲-
 ۱۰۳-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۵-۱۳۳-۱۳۵-
 ۱۳۸-۱۴۲-۲۷۵-۲۹۰-۲۹۲-۲۹۴-
 ۲۹۵-۳۳۹
 و
 وفا، کامران: ۳۱۲
 وفائی، حسن: ۱۹۰
 ولایتی، علی (دکتر): ۵۰
 ولی بیگ، مهرداد: ۲۰۸
 مهرگان، (دکتر): ۱۵۳
 میرسلیم، مصطفی: ۵۲-۱۹۶-۳۳۵
 میرعلائی، احمد (نویسنده): ۹-۲۷۶
 میرلوحی،: ۱۹۶-۲۰۶
 میکائیلیان (کشیش ارمنی): ۲۷۶-۲۸۰
 ن
 ناطق نوری، علی اکبر (آیت الله): ۲۷-۳۸-
 ۱۵۸-۱۷۷-۱۹۰-۱۹۲-۳۳۳-۳۳۴
 نبوی، ابراهیم: (نویسنده): ۲۴۳-۲۴۸
 نبوی، سیدمرتضی: ۱۶۰-۱۹۰-۲۰۷
 نجفی، (تیمسار): ۱۸۵-۱۸۶
 نراقی، احسان: ۳۱۲-۳۲۵
 نژاد حسینیان: ۳۰۹-۳۱۰
 نصرت آبادی: ۱۹۶
 نظری،
 ۱۷۷-۱۸۵
 نقدی، محمدرضا (سرٹیپ پاسدار): ۵۱-
 ۵۵
 نواب صفوی، مصطفی: ۱۵-۲۱-۲۲-
 ۲۴
 نویری، بهروز (دکتر): ۴۶
 نورائی، جمشید (نورانی، حاج صادق):
 ۳۵-
 نوری، عبدالله: ۱۰۴-۱۲۰-۱۶۳-۱۶۴-
 ۱۶۶ تا ۱۷۰-۱۷۲-۱۸۰-۱۸۱-۱۹۰-

ف

هادیان ناصر (دکتر): ۲۱۷ تا ۲۲۰

هاشمی طباطبائی: ۹۵

هاشمی، مهدی: ۲۶ - ۲۲۹ - ۲۳۰

۲۲۲ - ۲۳۶ - ۲۵۷ تا ۲۶۰

هانتر، شیرین: ۳۱۲

هویت، دان: ۲۰۱ - ۲۰۴ - ۲۰۵

همایون، داریوش: ۲۳۵

ی

یزدی، محمد (آیت الله): ۵۱ - ۱۸۷ -

۱۹۰ - ۱۹۷ - ۲۳۱ - ۲۳۲

یونس، علی (حجت الاسلام): ۲۸ - ۲۸۲ -

۲۸۴ - ۲۸۹ - ۲۹۱ تا